

بسم الله الرحمن الرحيم

خودم و همه شما نمازگزاران، خواهران ارجمند و برادران گرامی را به رعایت تقوای الهی توصیه و سفارش می‌کنم. تقوا باید در همه تعاملات ما، هم در مسائل و کارهای فردی و شخصی و هم در مواجهه با دیگران، خانواده و اجتماع و همچنین در مسئولیت‌های حاکمیتی که بر عهده داریم، رعایت شود.

«تقوا» راه ورود به توبه و منشاء تمام حکمت‌ها است

رعایت تقوا در بالاترین درجه، موجب نزدیکی و قرب الهی و همچنین موجب تکریم انسان نزد خداوند متعال است؛ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ»

در هفته‌های گذشته، جملاتی از امام حسن مجتبی(ع) درباره تقوا را عرض کردیم. در ادامه همان مباحث، حضرت می‌فرماید «الْتَقَوُیْ بَابُ كُلِّ تَوْبَةٍ وَ رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ» پیش از این، درباره این جمله که تقوا راه ورود به توبه است صحبت کردیم و عرض شد که تقوا سرمنشأ هر حکمتی است. حال سؤال این است که حکمت چیست؟

گاهی در زبان فارسی «علم» و «حکمت» را معادل و هم‌معنا می‌گیریم؛ اما در قرآن شریف و در واژگان دینی، حکمت معنای وسیع‌تری دارد. حکمت در واقع آن علم، بینش و معرفتی است که انسان به واسطه آن به حقایق عالم دست پیدا می‌کند.

در تفسیر المیزان، حضرت علامه طباطبایی رضوان‌الله تعالی‌علیه در ذیل آیاتی که مربوط به حکمت است، در صدد بیان معنای حکمت برآمده و می‌گوید «حکمت، فهم درست حقیقت عالم و انسان است؛ یعنی انسان به یک مرتبه‌ای از دانش و علم و معرفت برسد که به حقیقت اشیا و حقیقت عالم راه پیدا کند»

وقتی انسان به این مرحله از معرفت برسد، این معرفت، منشأ تشخیص حق و باطل برای او می‌شود و می‌تواند در مقام عمل، راه درست را تشخیص دهد و صواب را از خطا بازشناسد. دقت کنیم که در «حکمت» دو نکته عمده وجود دارد؛ یکی اینکه معرفت و فهم ما با واقع مطابقت داشته باشد و دوم اینکه در هدایت عملی ما مؤثر باشد.

وقتی انسان به عمق اسرار عالم و حقیقت انسان برسد، مسلماً این معرفت در عمل او نیز اثرگذار خواهد بود. در قرآن کریم آیات مختلفی در این زمینه وجود دارد. برای مثال، در آیه ۲۳۱ سوره مبارکه بقره، خداوند عمل به احکام الهی و رعایت حدود و مرزهایی که دین مشخص کرده است را به عنوان حکمت معرفی فرموده است.

رعایت «عفاف و حجاب» یکی از مصادیق مهم تقوا است

خداوند در آیه مذکور می‌فرماید اینکه شما حدود الهی را رعایت کنید، اینکه یک خانم، مراقب حجاب خود و فرزندانش باشد و عفت و پاکدامنی را در جامعه رعایت کند، این نیز نوعی حکمت است. فرمایش امام مجتبی (ع) نیز همین است که رعایت تقوا سرمنشأ هر حکمتی است.

خانم بزرگواری که برای رعایت موازین شرعی و دینی در جامعه حاضر می‌شود و اجازه نمی‌دهد خدای ناکرده نامحرم، چشم ناپاک یا دست ناپاک به او نزدیک شود و نمی‌گذارد این ناهنجاری در جامعه رواج پیدا کند، با پوشش، آرایش و نحوه برخورد و تعامل خود با نامحرم، به حکمت الهی که خداوند در قرآن سفارش کرده است، عمل می‌کند.

در این حدیث پرمعنا، امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید «رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ» یعنی تقوا منشأ همه حکمت‌هاست.

خداوند «حکمت» را به عنوان یک موهبت و پاداش به متقین عطا می‌کند

حکمت هم چیزی نیست که به راحتی و به صورت عمومی در دسترس همه باشد؛ چیزی نیست که همه بتوانند به آسانی به آن دسترسی پیدا کنند یا امری نازل و پایین مرتبه باشد.

خداوند متعال در آیه ۲۰ سوره «ص» می فرماید «وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ» که ما به حضرت داوود (ع)، حکمت عطا کردیم.

در آیه ۱۲ سوره لقمان نیز خداوند می فرماید «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» ما به لقمان حکمت عطا کردیم.

بنابراین، حکمت چیزی نیست که برای همه به سادگی و آسانی دست یافتنی باشد. اینکه امام حسن مجتبی (ع) می فرماید تقوا منشأ همه حکمت هاست، نکته مهمی است.

خداوند در آیه ۵۴ سوره نساء در مورد آل ابراهیم (ع) می فرماید «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» همین جا معلوم می شود که حکمت باید از سوی خداوند عطا شود؛ یعنی انسان باید ابتدا در مسیر تقوا و کسب معرفت حرکت کند و به مرتبه ای از معرفت برسد تا خداوند حکمت را به عنوان یک موهبت، نعمت و پاداش به او عطا فرماید.

خداوند متعال در مورد پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد مصطفی (ص) نیز در آیه ۲ سوره مبارکه جمعه فرموده است «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» خدا حکمت را به پیامبر عطا کرده است و پیامبر آموزگار حکمت است. بنابراین، حکمت امری نازل و بی ارزش نیست و خداوند آن را به پیامبران عطا کرده است.

خداوند در آیه ۲۶۹ سوره بقره نیز می فرماید «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ» خداوند به هر کس که بخواهد حکمت عطا می کند. این حکمت، همان بینش و دانش نسبت به حقایق و اشیاء است. خداوند می فرماید «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» هر کس که حکمت به او عطا شود، خیر کثیر به او داده شده است!

ممکن است خداوند، مال فراوان و امکانات زیادی به انسان های بسیاری بدهد، اما حکمت مانند مال و دارایی نیست! البته مال و اموال نیز نعمت هایی هستند که خداوند عطا فرموده، اما خداوند حکمت را که «خیر کثیر» است به هر کس که بخواهد عطا می فرماید.

امام حسن مجتبی(ع) نیز می‌فرماید گروهی که خداوند می‌خواهد حکمت را به آنها عطا نماید، باید تقوا داشته باشند! هرچه درجه تقوا بالاتر باشد، بهره انسان از حکمت الهی نیز بیشتر خواهد بود.

این خیر کثیر ارزش آن را دارد که انسان برای رسیدن به آن وقت بگذارد. ما باید در زندگی خود، در سبک گفتار، رفتار و تعاملاتمان دقت کنیم تا ان شاءالله بتوانیم تقوا را کسب کنیم و خداوند ما را از اهل تقوا قرار دهد.

بد نیست در اینجا اشاره کنم که وقتی شما، کلمات حکیمانه امام شهیدمان و همچنین امام عزیزمان، حضرت آیت‌الله امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای را می‌بینید، مملو از فرمایشات حکیمانه است. اینها به خاطر آن است که ایشان در بالاترین درجات تقوا قرار دارند. ما نیز باید به سمت تقوا حرکت کنیم و «تقواییشه» شویم.

«بی‌عفتی» یک ناهنجاری است که آرامش جامعه را برهم می‌زند

یکی از مصادیق تقوا که امروز با آنها مواجه هستیم، همین بحث «حجاب و عفاف» است. عزیزان و بزرگواران، مخصوصاً خواهران گرامی، دشمن به دنبال این است که جامعه ما را به سمت بی‌عفتی، بی‌حیایی و بی‌غیرتی، خدای نکرده، سوق دهد!

عده‌ای متوجه نیستند که عفت در جامعه موجب آرامش جامعه می‌شود. بی‌عفتی یک ناهنجاری است. بی‌حجابی و بدحجابی نیز یک ناهنجاری است و آرامش جامعه را برهم می‌زند! این امر نیز یکی از مصادیق تقواست که باید مورد توجه قرار بگیرد.

خداوند متعال، به مردان ما غیرت و عفت و به زنان و دختران ما حیا و عفت عنایت فرماید. ان شاءالله خداوند همه ما را از اهل تقوا قرار دهد. [پایان خطبه اول]

در خطبه دوم نیز همه شما برادران و خواهران گرامی را به رعایت تقوا در همه امور، دعوت می‌کنم. با لطف و عنایت ویژه خداوند، ان شاء الله بتوانیم با رسیدن به درجات تقوا و بهره‌مندی از «خیر کثیر» و حکمتی که امام حسن مجتبی (ع) فرموده است، به این مراتب دست پیدا کنیم.

هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه زمینه‌ساز تشکیل حکومت اسلامی و مایه وحدت و انسجام امت رسول الله (ص) بود

امروز، روز اول ماه ربیع المولود [ربیع الاول] است ماهی که ولادت با سعادت حضرت محمد مصطفی (ص) در آن واقع شده است. همچنین در چنین ایامی، هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه اتفاق افتاد. درباره جریان هجرت، مطالب مفصلی وجود دارد که در ادامه با استناد به آیه ۴۰ سوره توبه به آن اشاره خواهیم کرد.

خداوند در این آیه می‌فرماید «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ۖ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى ۗ ۚ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» خداوند خطاب به مومنان می‌فرماید اگر شما پیامبر خدا را نصرت نکردید، خدا او را یاری داد.

در سال یازدهم بعثت، پیامبر اکرم (ص) «مصعب بن نمیر» را برای تبلیغ دین به مدینه فرستادند و عده زیادی در آنجا مسلمان شدند. در سال دوازدهم نیز دوازده نفر از مسلمانان مدینه به مکه آمدند و پس از اعمال حج در منا، مسلمان شدند. آنان با پیامبر اکرم (ص) پیمان بستند که حقوق خدا و پیامبر (ص) را رعایت کنند و در مسیر اسلام گام بردارند که به آن «بیعت الوفا» یا «بیعت النساء» نیز می‌گویند. در این بیعت و مسلمان شدن، جهاد و حمایت از پیغمبر (ص) مطرح نبود.

در سال سیزدهم نیز با تبلیغاتی که مصعب در مدینه انجام داده بود، مسلمانان زیادی در آنجا به اسلام گرایش پیدا کردند. در ادامه، عده‌ای برای انجام حج به مکه آمدند که تعدادشان ۷۵ نفر بود و ۷۳ نفر از آنان مرد و دو نفر زن بودند. آنان در محل بیعت عقبه، در منا - که امروز نیز در آنجا «مسجد البیعه» برپا شده - با پیامبر اکرم (ص) بیعت کردند.

مفاد این پیمان آن بود که همانگونه که از خانواده و فرزندان خود در مدینه محافظت می‌کنند، از پیامبر اکرم(ص) نیز در برابر دشمنان حمایت و حفاظت کنند. آنان همچنین پیامبر(ص) را به مدینه دعوت کردند.

از طرف دیگر، مشرکان وقتی دیدند عده‌ای در مدینه به واسطه پیامبر اکرم(ص) مسلمان شده‌اند و ممکن است پیامبر(ص) به مدینه بروند و در آنجا حکومت تشکیل دهند، احساس خطر کردند و برای جلوگیری از این اتفاق، در «دارالندوه» جمع شدند و حدود ۴۰ نفر از سران خود را گرد آوردند و تصمیم گرفتند پیامبر اکرم(ص) را به شهادت برسانند؛ به‌گونه‌ای که خون ایشان به گردن شخص خاصی نیافتد!

در این جریان، یکی از افتخارات بزرگ امیرالمؤمنین علی(ع) رقم خورد؛ «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» کسی که در راه خدا و به خاطر طلب رضایت الهی جان خود را در راه خدا می‌دهد! ایثار و فداکاری برای خدا و در راه رضایت الهی. امیرالمؤمنین علی(ع) در جای پیامبر اکرم(ص) خوابید و جان خود را برای حفظ جان ایشان در معرض خطر قرار داد.

پیامبر اکرم(ص) به غار «ثور» رفتند و بعد از سه روز به نیت سفر به مکه از آن خارج شدند و در منطقه «قُبا» منتظر ماندند تا امیرالمؤمنین علی(ع) نیز به ایشان ملحق شود، نبی اکرم(ص) فرمود من وارد مدینه نمی‌شوم مگر اینکه علی(ع) نیز همراه من باشد. امیرالمؤمنین علی(ع) نیز پس از آن، حضرت فاطمه زهرا(س) و مادر خود و برخی دیگر را سرپرستی کردند و آنان را به مدینه رساندند و در نهایت به مسجد قبا رسیدند که در این فاصله به دستور پیامبر(ص) ساخته شده بود. این اتفاقات، همگی مربوط به جریان هجرت است، هجرت پیامبر اکرم(ص) در چنین روزی اتفاق افتاد.

این هجرت، ثمرات فراوانی داشت؛ از جمله ثمرات سیاسی و اجتماعی آن، تأسیس نخستین دولت اسلامی توسط پیامبر اکرم(ص) در مدینه بود. پیامبر(ص) و اصحاب ایشان در مکه به‌شدت در تنگنا و مضیقه بودند و امکان توسعه حکومت اسلامی وجود نداشت، اما پس از هجرت، حکومت اسلامی در مدینه تشکیل شد.

از دیگر ثمرات هجرت، انعقاد میثاق مدینه میان مسلمانان و قبایل «اوس» و «خزرج» و همچنین میان مسلمانان و یهودیان مدینه بود. این میثاق برای پایان دادن به اختلافات طولانی و ایجاد یک پیمان همزیستی مسالمت‌آمیز شکل گرفت؛ به این معنا که اگر دشمنی به مسلمانان حمله کرد، طرف‌های این پیمان در کنار یکدیگر باشند. متأسفانه این سه قوم «بنی قینقاع» و «بنی نضیر» و «بنی قریظه» به‌مرور پیمان خود با پیامبر(ص) را نقض کردند و در جریان جنگ احزاب، حساب آنان مشخص شد و پیغمبر آنان را از مدینه اخراج کرد! توجه داشته باشید که قوم یهود از ابتدا پیمان شکن بودند!

یکی دیگر از ثمرات بسیار مهم هجرت، ایجاد وحدت و برادری میان مسلمانان بود. همچنین هجرت، ثمرات مذهبی و تشریعی فراوانی نیز به همراه داشت؛ بسیاری از احکامی که امروز ما به آنها عمل می‌کنیم، از جمله نماز و جهاد و احکام متعدد دیگر، در مدینه بر پیامبر اکرم(ص) نازل شده و پیامبر(ص) و اصحاب ایشان به اجرای آنها مأمور شدند.

اینها بخشی از ثمرات هجرت بود، هجرت، آثار و ثمرات دیگری نیز داشت که از جمله آنها می‌توان به ثمرات راهبردی و تمدن‌ساز آن اشاره کرد. پیامبر اکرم(ص) پس از صلح حدیبیه در سال ششم، که خود یک افتخار و در واقع فتحی برای اسلام بود، نامه‌هایی را به امپراتوری‌های مستقل آن زمان، از جمله ایران، روم و مصر، و همچنین کشورهای کوچک و بزرگ آن دوران نوشت و آنان را به تسلیم شدن و اسلام آوردن دعوت فرمود.

پیامبر اکرم(ص) پیام جهانی خود را به دنیا رساند و اسلام را به‌عنوان دین جهانی معرفی فرمود. مدینه و اسلام نیز به‌عنوان قطب جدیدی در جهان، در شبه‌جزیره عربستان، تبلور پیدا کرد.

باید تاب‌آوری خود را در عرصه‌های مختلف بالا ببریم

نکته مهم در همه این مسائل آن است که ما مسلمانان نیز امروز وظایفی داریم. خداوند متعال امتیازاتی به مسلمان بودن ما داده است، اما مسلمانی بدون خون، بدون زحمت، بدون هجرت و بدون جهاد و تلاش به دست نمی‌آید!

پیامبر اکرم(ص) در مکه در تنگنا و مضیقه بود و مسلمانان برای اینکه گشایشی در کار ایجاد شود و بتوانند وظایف دینی خود را انجام دهند، مجبور شدند از مال، خانواده، وابستگی‌ها، زمین و تجارت خود دست بکشند و به مدینه بروند. اهل مدینه نیز وظیفه داشتند از آنان استقبال و حمایت کنند. قرآن کریم نیز از آنان تجلیل کرده است.

شرایط صلح، اقتضائاتی دارد و شرایط جنگ نیز وظایف خاص خود را دارد. امروز ما در جنگ و نبردی مهم با استکبار جهانی هستیم. جنگ تحمیلی به ما تحمیل شده و رژیم جعلی صهیونیستی و آمریکای جنایتکار مستقیماً وارد این جنگ شده‌اند.

بنابراین نمی‌توانیم مانند زمان آرامش زندگی کنیم. باید تاب‌آوری خود را بالا ببریم و در مقابل مشکلات، به‌ویژه مشکلات اقتصادی که دشمن روی آنها سرمایه‌گذاری کرده است، مقاومت کنیم. دشمنان تلاش می‌کنند مشکلات مختلف، حتی مشکلات کوچک اقتصادی را بزرگ جلوه دهند تا میزان تاب‌آوری مردم کاهش یابد و یأس در جامعه القا شود!

دشمن تلاش می‌کند ذهن مردم ایران را نسبت به آینده مشوش کند / بسیاری از مسائل کشور با تدبیر دولت، قابل حل است

دشمنان در میان مردم ایجاد ترس و وحشت می‌کنند؛ اینکه چه خواهد شد، چه می‌شود، اگر بزنند چه اتفاقی می‌افتد و اگر پیش برویم چه خواهد شد! بخشی از این مسائل ممکن است واقعیت داشته باشند، اما ما باید در برابر آنها هوشیار باشیم.

بزرگواران! در برابر مشکلات اقتصادی باید بدانیم که بسیاری از این مشکلات با تدبیرهای دولت و بدون ایجاد تنش قابل حل است. دشمن برنامه‌هایی برای ایجاد تفرقه میان مردم، نیروهای سیاسی و مردم و همچنین میان مردم و مسئولان دارد. ما امروز وظیفه داریم دشمن و نقشه‌های دشمن را نیز بشناسیم.

امروز شاهد آن هستیم که دشمن در حال اجرای عملیات ترکیبی و جنگ ترکیبی است. گاهی یک مسئله کوچک یا سخنرانی یک فرد در نقطه‌ای از کشور مطرح می‌شود و تمام کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد! یک مداح در یک حادثه یا جریان به قتل رسیده و در حالی که هنوز واقعیت آن مشخص نشده است، عده‌ای موضع‌گیری می‌کنند و در فضای مجازی و حقیقی هیاهو به راه می‌افتد و مواضع سخت و تندی گرفته می‌شود!

نباید اجازه دهیم فضای کشور به سمت ایجاد «دوقطبی» و «نگاه‌های صفر و صدی» حرکت کند دشمن تلاش می‌کند مردم ما در برابر دولت و یا روبروی یکدیگر قرار بگیرند!

همه این موارد، هوشیاری و بصیرت ما را می‌طلبد. نباید اجازه دهیم این دوقطبی‌سازی‌ها و نگاه‌های صفر و صدی در کشور شکل بگیرد! ممکن است یک مسئول جابه‌جا شود یا فرد جدیدی وارد میدان شود؛ این مسائل نباید موجب موضع‌گیری‌های نسنجیده و ایجاد اختلاف شود! مراقبت، مواظبت و بصیرت در این زمینه وظیفه ماست.

بزرگواران! اگر حضرت آقا شعام [شورای عالی امنیت ملی] را نمی‌خواستند و شعام مورد نظر و تحت تایید ضمنی ایشان نبود که [نماینده خود را] معرفی نمی‌فرمودند! یک نفر جا به جا شده و فرد جدیدی معرفی شده است، شما ببینید چقدر موضع‌گیری می‌شود! بالاخره ملاک شما رهبری هست یا نیست؟!

اگر در زمان پیامبر وظیفه مسلمانان هجرت بود، مهاجران هجرت کردند و دین را حفظ کردند. در مدینه مکانی به نام «اصحاب صفة» در مسجد پیامبر (ص) قرار دارد؛ مسلمانانی مانند ابوذر، مقداد و سلمان و دیگر یاران پیامبر (ص) هجرت کردند و تمام دارایی خود را در مکه گذاشتند، روزگار خود را با یک خرما می‌گذراندند، این جهاد را وظیفه خود می‌دانستند و برای جانفشانی در راه خدا و رسول مهیا بودند. خوشا به حال آنان که وظیفه خود را انجام دادند.

امروز ما آنان را تحسین و تمجید می‌کنیم و از آنان تجلیل می‌کنیم، اما این الگوی ما است. هجرت پیامبر (ص) صرفاً یک داستان نیست که مربوط به گذشته باشد. این هجرت برای ما یک الگو و درس است.

امروز که در زمان جنگ با دشمن غدار هستیم، وظایفی بر عهده داریم، باید مراقب باشیم که خدای ناکرده در انجام این وظایف کوتاهی نکنیم که دشمن بر ما فائق آید. قرآن کریم در آیه ۷۴ سوره انفال می‌فرماید «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ۚ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» قرآن درباره مهاجرین و انصار سخن گفته و از مهاجرانی که هجرت کردند و انصاری که اهل مدینه بودند و آنان را یاری کردند، تجلیل کرده است و آنان را مومنان حقیقی معرفی کرده است.

امروز ممکن است شرایط هجرت به آن معنا برای ما وجود نداشته باشد، اما جهاد وجود دارد. خداوند در آیه ۱۵ سوره حجرات می‌فرماید «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» مؤمنان حقیقی کسانی هستند که به خدا و رسول ایمان آورده‌اند، سپس هیچ شک و شبهه‌ای در دل خود راه نداده و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد می‌کنند!

بنابراین شاید امروز هجرت به معنای رفتن از شهری به شهر دیگر وظیفه ما نباشد، اما وظیفه مؤمن حقیقی این است که در مسیر ایمان، تلاش و مجاهدت کند و در برابر مشکلات، از جمله مشکلات اقتصادی امروز، وظیفه خود را به درستی انجام دهد!

شهادی بزرگواری که امروز از آنان تجلیل می‌کنیم، نمونه‌های همین مسیر هستند. خداوند نسبت به کسانی که این مسیر را به‌خوبی طی می‌کنند، لطف و عنایت ویژه‌ای دارد و ان‌شاءالله به همه ما در این روزها، به‌ویژه با توجه به وظایف سنگینی که بر عهده داریم، توفیق انجام وظیفه عنایت فرماید.

مخصوصاً با توجه به حمله ترکیبی و جنگ ترکیبی که دشمن به راه انداخته است، باید بدانیم جنگ فقط جنگ نظامی نیست! امروز جنگ‌های ترکیبی در عرصه‌های مختلف جریان دارد و دشمن تلاش می‌کند کاری کند که خدای ناکرده خود ما در مقابل دولت و در مقابل ارکان نظام قرار بگیریم، یا مردم ما با یکدیگر درگیر شوند. امیدواریم خداوند توفیق دهد تحت امامت امام عزیزمان که خداوند ایشان را از همه بلایای زمینی و آسمانی محفوظ بدارد بتوانیم این مسیر را طی کنیم.

جنگ ۳۳ روزه، نماد اقتدار حزب‌الله لبنان و فروریختن افسانه شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی است

امروز، جمعه، سالروز پایان جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان با رژیم جعلی صهیونیستی و پیروزی حزب‌الله در این جنگ نابرابر است، این روز به‌عنوان روز «مقاومت اسلامی» نام‌گذاری شده است.

برکات عظیم این جنگ، از جمله فروریختن افسانه شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی و ارتش آن، از بین رفتن اقتدار و هیمنه پوشالی نیروی هوایی رژیم صهیونیستی و ضربه خوردن قدرت اطلاعاتی موساد، همه از برکاتی بود که در پیروزی جنگ ۳۳ روزه بدست آمد.

حزب‌الله لبنان، در نامه‌ای که به عنوان بیعت با رهبر معظم انقلاب اسلامی نوشته است، وفاداری و تبعیت کامل خود را از آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای اعلام و تاکید کرد همانگونه که از امام (ره) تبعیت می‌کردیم و همانگونه که از امام شهیدمان (ره) تبعیت داشتیم، امروز نیز از امام عزیزمان، حضرت آیت‌الله امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، تبعیت می‌کنیم.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در پاسخ، حزب‌الله را اینگونه معرفی کرده‌اند «اکنون که حزب‌الله لبنان به‌عنوان پیش‌گام گروه‌های جهادی در برابر هجوم سَبْعانه‌ی رژیم صهیونیستی و حامیانش، چون صخره‌ای ستبر ایستاده است...» این ایستادگی و پیروزی حزب‌الله، با وجود شهادت همه فرماندهان عزیزش، مخصوصاً سید شهادی مقاومت، سیدحسین نصرالله(ره) و فرماندهان بزرگ آن، قابل تحسین است، آنان مثل کوه در مقابل دشمن ایستاده‌اند و امیدواریم خداوند حافظ آنان باشد.

بی‌کفایتی‌های حکومت پهلوی نباید فراموش شود/ رژیم پهلوی، جزیره راهبردی بحرین را که از زمان هخامنشیان متعلق به ایران بود، از خاک ایران جدا کرد!

۲۳ مرداد نیز یادآور یک جریان تاریخی دیگر است. باید این تاریخ را مرور و ابعاد مختلف آنرا مطالعه کنیم؛ به‌ویژه در شرایطی که برخی امروز با هر روشی به‌دنبال تطهیر پهلوی ظالم هستند.

وقایع تاریخ، بی‌کفایتی و خیانت پهلوی را نشان می‌دهد. بحرین که سال‌ها و قرن‌ها، از زمان هخامنشیان، جزو ایران بود، یک جزیره اصلی و ۳۳ جزیره کم‌ارتفاع دارد، در نزدیکی چاه‌های نفت و نیز کشور عربستان قرار گرفته، محل عبور و مرور انرژی و کالاهاست و پایگاه پنجم آمریکا نیز به دلیل همین موقعیت مهم و راهبردی در آنجا قرار گرفته است.

بی‌کفایتی‌های پهلوی را نباید فراموش کنیم. در سال ۱۳۴۵، محمدرضا پهلوی ملعون در سخنانی، با اظهارنظری مفلوکانه گفت این جزیره آنقدرها هم مهم نیست، نفتش که تمام شده، مرواریدش نیز تمام شده و برای ما دیگر فاقد اهمیت است! این برنامه‌ریزی از آمریکای جنایتکار و انگلیس بود، مجری آن هم پهلوی بود و در نهایت این بخش از خاک ایران عزیزمان جدا شد.

متأسفانه امروز وقتی نگاه می‌کنیم، برخی افراد که ادعای روشنفکری دارند، کتاب می‌نویسند و به دنبال تطهیر رضا پهلوی و رژیم پهلوی هستند! امیدواریم این افراد به خودشان بیایند، به تاریخ توجه کنند و واقعیات را ببینند!

انقلاب اسلامی با ریخته شدن خون شهدای گرانقدر به پیروزی رسید. کسانی در زندان‌ها سختی کشیدند و بسیاری از دانشمندان و فرهیختگان ما برای این انقلاب زحمت کشیدند. جای تأسف فراوان دارد که افرادی که امروز ادعای روشنفکری هم می‌کنند، بگویند شاه قابل اصلاح بود! شاه با این جنایات قابل اصلاح بود؟! اگر سلطنت‌طلبان و جیره‌خواران چنین سخنانی بگویند جای

تعجب نیست اما عجیب است که برخی دانشمندان و فرهیختگان ما که ادعای فضل و روشنفکری دارند به دنبال تطهیر کسانی باشند که چنین سابقه‌ای دارند!

به هر حال بحرین از ایران جدا شد و امروز نیز پایگاه آمریکا در بحرین علیه ماست و هواپیماهای آمریکایی در آنجا برنامه‌ریزی و عملیات می‌کنند. اینها نمونه‌هایی از بی‌کفایتی‌های رژیم پهلوی است که نباید فراموش شود!

آزادگان سرافراز دفاع مقدس، مایه افتخار ملت ایران هستند

۲۶ مرداد نیز روز بازگشت آزادگان عزیز به کشور است. آزادگان افتخار ما هستند؛ ایثارگرانی که در زندان‌ها و با انواع شکنجه‌ها و در شرایط سخت، تاب‌آوری خود را حفظ کردند و پیروزمندانه در روز ۲۶ مرداد سال ۱۳۶۹ به میهن اسلامی بازگشتند. امیدواریم مدیون این زحمت‌کشان و ایثارگران و کسانی که در راه حفظ نظام سختی کشیدند، نشویم.

کودتای ۲۸ مرداد، یکی از صدها نمونه دخالت آمریکا در امور ایران است

همچنین، سالروز کودتای ننگین ۲۸ مرداد را در پیش داریم. اگر امروز آمریکا به ما حمله می‌کند، باید بدانیم که این نخستین روز دشمنی آمریکا با ما نیست و سیاست آمریکا در قبال ایران سابقه‌ای طولانی دارد.

در آن زمان، سیاست «موازنه منفی» در مقابل سیاست «موازنه مثبت» مطرح شد. موازنه منفی این بود که نه به انگلیس باج می‌دهیم و نه به شوروی، اما این مسئله که کشور را از لوٹ وجود بیگانگان پاک کنیم در ذهنشان نبود!

اگر قرار بود نفت شمال را به شوروی ندهیم، سیاست مصدق این بود که نفت جنوب را نیز از انگلیس بگیریم! اصل این سیاست بد نبود، اما متأسفانه به ابرقدرت دیگری، یعنی آمریکای جنایتکار، اعتماد کرد و آمریکا در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در شرایطی که شاه فرار کرده بود، زمینه بازگشت او به کشور را فراهم کرد و دیکتاتوری دوباره در ایران آغاز شد.

این کودتا یکی از جنایات و دخالت‌های آمریکا در کشور ما بود. این نخستین اقدام آمریکا نبود و سیاست آمریکا در مقابل ملت ایران نیز به پایان نرسیده است. بنابراین وضعیت امروز ما اقتضا می‌کند که هوشیار باشیم و دشمن را بشناسیم. دشمن به دنبال ایجاد یاس و ترس و تفرقه در بین ملت است.

حفظ «وحدت ملی» و توجه به «معیشت مردم» از مهمترین مطالبات مقام معظم رهبری است

بزرگواران، ما ملاک و معیار داریم و آن، تبعیت از ولی فقیه است. رئیس‌جمهور محترم نیز در یک جلسه هفت‌ساعته با ایشان، همه امور کشور در سطوح مختلف را مورد بررسی قرار داده‌اند. تأکیدی هم رهبر معظم انقلاب داشته‌اند که از جمله آنان حفظ وحدت و توجه به معیشت مردم بوده است. ما امام عزیزی داریم که اشراف کامل بر مبانی و مسائل روز کشور دارد؛ هم دشمن را می‌شناسد و هم روش‌های مبارزه هوشمندانه با دشمن را می‌داند.

ما باید به رهبر معظم انقلاب اعتماد کنیم و از ایشان تبعیت داشته باشیم. همانطور که قبلاً نیز عرض کرده‌ایم، تبعیت باید بطور کامل باشد. همچنین معیار دیگر، حفظ وحدت است و باید خواسته رهبری در زمینه وحدت را به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی خود قرار دهیم.

دغدغه‌های دلسوزان در خصوص عفاف و حجاب ارزشمند است و پیگیری خواهد شد

در همینجا لازم می‌دانم از همه خواهران و برادران بزرگواری که دغدغه‌های مقدس دینی، به‌ویژه درباره حجاب و مسائل دیگر دارند، و از طریق تلفن، حضوری یا در اجتماعات شب‌های اقتدار با بنده مطرح می‌کنند تشکر کنم. همه ما با شما همدردیم و باید حتماً در صدد حل این مشکلات و دغدغه‌ها باشیم و راهکارهای آن به‌صورت ملموس به مردم برسد.

در استان یک خرد عمومی در حال تلاش برای حل این مشکلات به‌ویژه عفاف و حجاب است و در حال برگزاری جلسات متعدد برای بررسی راهکارهای آن هستیم. ان شاءالله آثار آن به‌صورت ملموس به شما خواهد رسید. اینکه شما درد دل دارید و دغدغه‌های دینی و فرهنگی دارید، یک دغدغه مقدس است و باید مورد تجلیل قرار بگیرد؛ اما نباید خدای ناکرده به واسطه یک معضل که باید برای آن راه‌حل پیدا کنیم، دولت اسلامی و نظام را زیر سؤال ببریم!

در روزهای آینده و در جلسات بعدی که برگزار خواهد شد، در حد مقدمات و در آن مقداری که وظیفه ماست، این مسائل را پیگیری خواهیم کرد و ان شاءالله اقدامات لازم انجام خواهد شد.

از دست‌اندرکاران برگزاری اجلاس «مجاهدان در غربت» تشکر می‌کنم

نکته آخر اینکه چندین سال است که اجلاس شهدای مجاهدی که در غربت به شهادت رسیده‌اند، در دامغان برگزار می‌شود؛ بیش از ۱۱ سال است که این اجلاس آغاز شده و امروز به یک اجلاس بین‌المللی تبدیل شده است.

در هفته‌ای که گذشت، اجلاس در تهران با سخنرانی آقای دکتر پزشکیان، رئیس‌جمهور، آغاز شد. امسال این اجلاس به یاد شهید امت و سیدالشهدای انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب، امام سیدعلی حسینی خامنه‌ای (ره) برگزار شد و جمعی از مهمانان غیرایرانی نیز در آن حضور داشتند.

همچنین روز چهارشنبه، در دامغان نیز این اجلاس با حضور وزیر محترم و مکتبی آموزش و پرورش، آقای دکتر کاظمی که از نیروهای تابع رهبری هستند، برگزار شد و ایشان به ایراد سخنرانی پرداختند. جمعی از عزیزان، فرهیختگان و دست‌اندرکاران نیز در این برنامه حضور داشتند.

این برنامه در مشهد و سپس در کشورهای دیگری مانند پاکستان و شاید لبنان و برخی کشورهای دیگر نیز برگزار خواهد شد و این افتخار نصیب این اجلاسیه شده که یاد و نام همه شهدا، به ویژه امسال که به یاد امامی که در جوار امام رضا(ع) آرمیده است، گرامی داشته شود.

از همه دست‌اندرکاران این اجلاسیه تشکر و قدردانی می‌کنیم و امیدواریم سال به سال از فواید این اجلاسیه و خروجی‌های مثبت و مؤثر آن بیشتر بهره‌مند شویم.

برای همه شهدای بزرگواری که یادشان در این اجلاسیه گرامی داشته شده است، به ویژه شهید حسین امیرعبداللهیان که در سال گذشته به یاد ایشان اجلاسیه برگزار شد و همچنین امام شهیدمان، صلوات می‌فرستیم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.